

# بررسی روند شکل‌گیری واحدهای همسایگی با هدف ایجاد گروه‌های اجتماعی پایدار

مهیارباستانی\*، میلاد ترکجزی

1- هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، bastanimahyar@gmail.com  
2- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، milad\_architect2012@yahoo.com

## چکیده

بررسی محلات قدیمی نشان می‌دهد پایداری این محلات تنها معطوف به ساختار کالبدی آنها نیست بلکه در پس این ساختار، گروه‌های اجتماعی مستقلی وجود داشتند که ماندگاری آنها را تضمین می‌کردند. ظهور شهرهای مدرن، کم‌رنگ شدن مفهوم محلات، انسان معاصر را بر آن داشت تا این گروه‌های اجتماعی را در قالب مقوله جدیدی با نام واحد همسایگی احیاء کند. اگرچه این ایده‌ها در بسیاری از موارد با شکست روبرو شد، اما بررسی عملکرد واحدهای همسایگی و مطالعه نتایج تحقیقات در این زمینه، نه‌تنها به ارائه راهکارها و معیارهای طراحی می‌انجامد بلکه از بروز مجدد این اشتباهات نیز جلوگیری خواهد نمود. این تحقیق با پذیرش پیش‌فرض اولیه دانش محیط- رفتار مبنی بر وجود رابطه دوجانبه بین محیط و رفتار، در جستجوی عوامل محیطی مؤثر در ایجاد گروه‌های اجتماعی در محیط‌های مسکونی است. بخش اول این پژوهش، با ارائه تعریف مختصری از گروه اجتماعی (community) به برشمردن خاصیات و ارزش‌های آن می‌پردازد. مرحله بعد به بررسی روند شکل‌گیری واحدهای همسایگی در دوران مدرن، دلایل شکست، انتقادات مطرح در این زمینه و ایده‌های جایگزین اختصاص خواهد یافت. در پایان، نتایج در قالب اصول و ایدئوگرامی برای طراحی محیط‌های مسکونی با هدف تقویت روابط اجتماعی و انسانی مطرح می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** ماندگاری اجتماعی، گروه اجتماعی (community)، واحد همسایگی

## 1- مقدمه

زمانی که ردپای واژه Community را در شهرسازی دنبال می‌کنیم، یکی از کلیدواژه‌هایی که با آن برخورد می‌کنیم، واحد همسایگی است. واحد همسایگی تلاش انسان معاصر برای ایجاد دوباره Community‌ها در دنیای مدرن است. اگرچه این ایده در سال‌های مدرن، ارائه شد، اما می‌توان ریشه‌های آن را در تاریخ ابتدایی زندگانی بشر جستجو کرد. قدمت همسایگی‌ها در چین باستان به اندازه نظام خانواده و سیستم‌های خویشاوندی است. در هیروگلیف (حروف تصویری) مصر باستان، نماد شهر دایره‌ای است که خطوطی آن را به چهار بخش یا محله تقسیم می‌کند. در یونان باستان طرح شهر با واحدهای همسایگی با مرزهایی آشکار مشخص می‌شود که به‌عنوان ابزاری ابتدایی برای تفکیک مذهبی و اجتماعی بکار می‌رفت. ایده همسایگی‌ها در شهرهای قرون وسطی و روم باستان هم وجود داشت. یک شهر رومی اغلب برای دستیابی به اهداف حکومتی نوعاً در قالب همسایگی‌هایی سازمان‌دهی می‌شد که در آن زمان Vici نام می‌گرفت